

ممراد یا علامت ولف

متن کامل و ترجمه

صحیفه کامله سجادیه

بانتظام

رساله الحقوق

و

دعاهایی دیگر از

امام زین العابدین (ع)

ترجمه: عباس عزیزی

ویرایش: حسین اسلامی



سرشماری: علی بن حسین (ع)، امام چهارم، ۳۸ - ۹۴ ق.

عنوان قرارداد: صحیفه سجادیه، فارسی - عربی عباسی / عباسی، عزیزی

عنوان و نام پدیدآورنده: متن کامل و ترجمه صحیفه کامله سجادیه، بانضمام رساله الحقوق و دعاها ب دیگر از امام زین العابدین (ع) / (امام سجاد)؛ ترجمه عباس عزیزی؛ ویرایش حسین اسلامپور.

مشخصات نشر: تهران: سرای قضیلت، ۱۳۸۸

مشخصات ظاهري: ۱۰۰ ص، ۱۱ × ۱۷ س.م.

وضعیت فہرست نویسی: فیفا

یادداشت: کتاب حاضر در سالهای مختلف توسط ناشرین مختلف منتشر گردیده است.

یادداشت: عنوان رزی جلد: صحیفه کامله سجادیه، همراه با رساله الحقوق امام سجاد و

داعیہ دیگر و فہرست موضوعی (با علامت و فہرست)

عنوان دیگر: صحیفه کامله سجادیه؛ همراه با رساله الحقوق امام سجاد و ادعیه دیگر و

فهرست موضوعی (با علامت و فف)

موضوع: دعاها، احادیث اخلاقی

شناسه افزوده: عزیزی، عباس، ۱۳۴۲ - مترجم.

رده‌بندی کنگره: ش ۱۳۸۸ ۳۰۴۱ ص ۸/۶/۱ BP

۲۹۷/۷۷۲ شماره کتابشناسی ملی: ۱۹۵۲۲۹۲ انتشارات ساء، فضیات



متن کامل و ترجمه صحیفه کامله سخاوتہ : نام کتاب :

مؤلف : عباس عزیزی

ناشر: انتشارات سرای فضیلت

.....: نوبت چاپ: اول

تاریخ انتشار : ۱۳۸۸

.....: نیواڑہ ۳۰۰ جلد

چاپ : پاسدار اسلام

قیمت: ۳۳۰۰ تومان

ISBN: 978 - 600 - 91208 - 2 - 6_978 - 600 - 91208 - 2 - 6 : شابک

کلیه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است»

ہوا کی یخ خش:

تهران، تهرانسر، بلوار لاله، ب ۹۸، تلفن ۴۴۵۲۸۰۸۱

فهرست

- مقدمه ۹
- مقدمه در بیان اسناد صحیفه سجادیه ۱۲
- (۱) دعای امام (ع) در ستایش خدای عزوجل ۳۳
- (۲) دعای آنحضرت در درود بر رسول خدا (ص) ۴۱
- (۳) دعای آن حضرت بر نگهدارندگان عرش الهی ۴۴
- (۴) دعای آنحضرت در درود بر پیروان پیامبران ۵۰
- (۵) دعای آنحضرت درباره خود و دوستانش ۵۵
- (۶) دعای آنحضرت بهنگام بامداد و شب ۵۹
- (۷) دعای آنحضرت در مهمات و سختیها ۶۶
- (۸) دعای آنحضرت در پناه بردن به خدا ۶۹
- (۹) دعای آنحضرت در آرزو داشتن به آمرزش ۷۱
- (۱۰) دعای آنحضرت در التجاء به خدای تعالی ۷۴

- (۱۱) دعای آنحضرت در عاقبت بخیری ها ۷۶
- (۱۲) دعای آنحضرت در اقرار به گناه ۷۸
- (۱۳) دعای آنحضرت در درخواست حاجتها ۸۴
- (۱۴) دعای آنحضرت در دادخواهی از ستمگران ۸۹
- (۱۵) دعای آنحضرت هنگام بیماری ۹۳
- (۱۶) دعای آنحضرت در خواستن بخشش گناه ۹۶
- (۱۷) دعای آنحضرت در دور کردن شیطان ۱۰۵
- (۱۸) دعای آنحضرت در دفع بلاها و سختیها ۱۱۰
- (۱۹) دعای آنحضرت در درخواست باران ۱۱۱
- (۲۰) دعای آنحضرت در مکارم الاخلاق ۱۱۳
- (۲۱) دعای آنحضرت هنگام غم و اندوه ۱۲۷
- (۲۲) دعای آنحضرت هنگام سختی ۱۳۲
- (۲۳) دعای آنحضرت برای تندرستی ۱۳۹
- (۲۴) دعای آنحضرت برای پدر و مادر ۱۴۳
- (۲۵) دعای آنحضرت برای فرزنداناش ۱۴۹
- (۲۶) دعای آنحضرت برای همسایگانش ۱۵۵
- (۲۷) دعای آنحضرت برای مرزداران ۱۵۷
- (۲۸) دعای آنحضرت در ترس از خدا ۱۶۷
- (۲۹) دعای آنحضرت هنگام تنگ آمدن روزی ۱۶۹

- (۳۰) دعای آنحضرت در آدای قرض ۱۷۱
- (۳۱) دعای آنحضرت در بیان توبه ۱۷۳
- (۳۲) دعای آنحضرت بعد از نماز شب ۱۸۳
- (۳۳) دعای آنحضرت در طلب خیر ۱۹۴
- (۳۴) دعای آنحضرت هنگام گرفتاری ۱۹۶
- (۳۵) دعای آنحضرت در خشنودی از قضا و قدر ۱۹۸
- (۳۶) دعای آنحضرت هنگام شنیدن صدای رعد ۲۰۰
- (۳۷) دعای آنحضرت در سپاسگذاری ۲۰۲
- (۳۸) دعای آنحضرت در عذر خواستن ۲۰۸
- (۳۹) دعای آنحضرت در درخواست عفو ۲۰۹
- (۴۰) دعای آنحضرت هنگام یاد مرگ ۲۱۴
- (۴۱) دعای آنحضرت در طلب پوشانیدن عیبه ۲۱۶
- (۴۲) دعای آنحضرت هنگام ختم قرآن ۲۱۸
- (۴۳) دعای آنحضرت هنگام دیدن ماه نو ۲۲۸
- (۴۴) دعای آنحضرت در اوّل ماه رمضان ۲۳۱
- (۴۵) دعای آنحضرت در وداع ماه رمضان ۲۳۹
- (۴۶) دعای آنحضرت در روز فطر و جمعه ۲۵۶
- (۴۷) دعای آنحضرت در روز عرفة ۲۶۲
- (۴۸) دعای آنحضرت در روز اضحی و جمعه ۲۹۶

- (۴۹) دعای آنحضرت در رفع مکر دشمنان ۳۰۷
- (۵۰) دعای آنحضرت در ترس از خدا ۳۱۳
- (۵۱) دعای آنحضرت در تضرع و زاری ۳۱۷
- (۵۲) دعای آنحضرت در اصرار و رزیدن در دعا ۳۲۲
- (۵۳) دعای آنحضرت در فروتنی ۳۲۶
- (۵۴) دعای آنحضرت در رفع اندوهها ۳۲۹
- دعاهاى دیگر از امام زین العابدین (ع) ۳۳۳
- رساله الحقوق امام سجاده (ع) ۳۶۳
- فهرست موضوعی ۳۸۳

پیشگفتار

صحیفه سجادیه نور است.

صحیفه سجادیه بهترین کتاب خودسازی است.

صحیفه سجادیه صلوات بر محمد و آل محمد است.

صحیفه سجادیه دارو برای بیماران است.

صحیفه سجادیه درس مبارزه با ظلم را به انسان می آموزد.

صحیفه سجادیه حقانیت معاد و قیامت را در وجود انسان زنده می کند.

صحیفه سجادیه بیانگر فضایل اخلاقی است.

صحیفه سجادیه اصول اخلاقی را به انسان می آموزد.

صحیفه سجادیه راه های توبه را به انسان می آموزد.

صحیفه سجادیه شامل دعاهایی است که امام سجاد برای رفع مشکلات و سختی ها می خواند، و به مسلمانان نیز تعلیم داده است.

صحیفه سجادیه ایمان انسان به خداوند را قوی می کند.

صحیفه سجادیه توحید انسان را قوی می کند.

صحیفه سجادیه همانند بارانی دل ها را می شوید و پاک می کند.

صحیفه سجادیه دل های مرده را زنده می کند.

صحیفه سجادیه بیماران را شفا می دهد.

صحیفه سجادیه بهترین دارو برای امراض روحی است.

صحیفه سجادیه مناجات ها و راز و نیازهای بادگار کربلاست.

صحیفه سجادیه راز و نیازی است که از دلی سوزان، و از چشمی گریان، و از دلی پاک و مطمئن نشأت گرفته است.

صحیفه سجادیه انسان را به خداوند متصل می کند.

صحیفه سجادیه بیانگر حقوق والدین، خویشاوندان و همسایگان است.

صحیفه سجادیه درس گذشت و وفاداری به انسان می دهد.

صحیفه سجاده تصویرگر بهشت و دوزخ است.

صحیفه سجاده طریقه دعا کردن را به ما می آموزد.

صحیفه سجاده مسائل عقیدتی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و پاره‌ای از قوانین طبیعی و احکام شرعی را در قالب دعا مطرح می سازد.

صحیفه سجاده از ذخایر بزرگ علمی - تربیتی است.

صحیفه سجاده گنجینه گرانبهای حقایق و معارف الهی است.

صحیفه سجاده زبور آل محمد (ص) است.

امام خمینی در وصیت نامه سیاسی - الهی خویش فرمودند:

«ما منتخبریم که ادعیه حیات بخش که او را قرآن صاعد می خوانند، از ائمه معصومین علیهم السلام ما است. مناجات شعبانیه امامان و دعای عرفات حسین بن علی علیه السلام و صحیفه سجاده علیه السلام این زبور آل محمد علیه السلام و صحیفه فاطمه علیه السلام که کتاب الهام شده از جانب خداوند تعالی به زهرای مرضیه علیه السلام است، از ما است.»

در زمان امام سجاده علیه السلام شرایط اختناق آمیزی حکم فرما بود. در این شرایط امام بسیاری از اهداف و مقاصد خود را در قالب دعا و مناجات بیان فرمود.

مجموعه دعا‌های امام سجاده علیه السلام به نام صحیفه سجاده معروف است. پس از قرآن مجید، نهج البلاغه، بزرگ ترین و مهم ترین گنجینه گرانبهای حقایق و معارف الهی به شمار می رود.

صحیفه سجاده شامل راز و نیاز با خداوند و بیان حاجت به درگاه خداوند است.

صحیفه سجاده دریایی بیکران از علوم و معارف اسلامی است.

صحیفه سجاده شامل مضامین عرفانی، اخلاقی، اجتماعی و عبادی است که امام سجاده علیه السلام در مناجات ها و راز و نیازهای عارفانه و عاشقانه خود به پیشگاه خداوند عرضه می داشت.

اینک ما نیز بیابیم و اینگونه مناجات کنیم: عارفانه و عاشقانه.

و اینگونه با خداوند سخن بگوییم، سعی نماییم ارتباط خود را با صحیفه سجاده قوی کنیم، که سعادت ما در گرو آن است، و بیمه کننده انسان است. خدایا! ما که خود نمی دانیم و غافلیم که عمرمان چگونه سپری می شود: خالی از دعا و ذکر! اگر بخواهیم تنها به

سرمایه های خویش اکتفا کنیم، عیب می مانیم، به گفته امام العارفین، زین العابدین علیه السلام، که چه زیبا فرمود در کتاب شریف صحیفه:

«خدایا! اگر مرا به خویش واگذاری، از همه کارها فرو می مانم!»

قابل ذکر است برای صحیفه سجاده ترجمه های زیادی شده و همه آنها قابل استفاده است، و اینجانب از همگی این ترجمه ها بهره برده ام:

۱- ترجمه مرحوم الیسی فمسه ای (ره)

۲- ترجمه مرحوم فیض الاسلام (ره)

۳- ترجمه و شرح صحیفه سجاده، واحد مطالعات و تحقیقات اسلامی

۴- ترجمه شیخ انصاریان

۵- ترجمه محسن غروی و عبد الجواد ابراهیمی

۶- کتاب «الصحیفه السجاده الجامعه»

۷- ادعیه الامام زین العابدین، جواد التیومی الاصفهانی

از ویژگی های ممتاز این کتاب آن است که:

۱- فهرست موضوعی صحیفه سجاده را با ذکر شماره دعا و شماره بند بیان شده تا خواننده گرامی به آسانی بتواند به مطالب گوناگون دست یابد.

۲- عبارت دعا علامت وقف دارد.

۳- شماره عبارات دعا بر اساس نسخه مرحوم فیض الاسلام گذاشته شده است.

۴- دعا هایی دیگر از امام سجاده (ع) که از منابع دیگر بیان شده است.

۵- رساله حقوق امام سجاده، که شامل ۵۱ بند است و نکات اخلاقی، تربیتی و اجتماعی در آن نهفته شده است که واقعاً دارای مضامین بلند و قابل استفاده ای برای عموم جامعه می باشد و ضایف و حقوق ما را امام با این رساله روشن نموده است.

امید که خداوند توفیق دهد با خواندن و عمل کردن به ادعیه رساله امام سجاده (ع)، خود را بیمه کنیم.

ان شاء الله تعالی

عباس عزیزی

حوزة علمیة قم ۱۳۸۱

المقدمة في بيان اسناد الصحيفة

(١) حَدَّثَنَا السَّيِّدُ الْأَجَلُ، نَجْمُ الدِّينِ، بَهَاءُ الشَّرَفِ، أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرِو بْنِ يَحْيَى الْعَلَوِيُّ الْحُسَيْنِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ: أَخْبَرَنَا الشَّيْخُ السَّعِيدُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ: مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ شَهْرِيَارَ، الْخَارِزِيُّ لِحِزَانَةِ مَوْلَانَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ ٥ فِي شَهْرِ رَبِيعِ الْأَوَّلِ مِنْ سَنَةِ سِتِّ عَشْرَةَ وَخُمْسِمِائَةِ قِرَاءَةً عَلَيْهِ وَأَنَا أَسْمَعُ، (٢) قَالَ: سَمِعْتُهَا عَلَى الشَّيْخِ الصَّدُوقِ، أَبِي مَنْصُورٍ: مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ الْفُكَيْرِيُّ الْمُقَدَّلِي رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ أَبِي الْمُثَنَّى: مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُطَّلِبِ الشَّيْبَانِيِّ، (٣) قَالَ: حَدَّثَنَا الشَّرِيفُ، أَبُو عَبْدِ اللَّهِ: جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ ٥ (٤) قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَمْرِو بْنِ خَطَّابِ الرِّيَّانِ سَنَةَ خَمْسٍ وَبِسْتِينَ وَمِائَتَيْنِ (٥) قَالَ: حَدَّثَنِي خَالِي: عَلِيُّ بْنُ التُّغَمَّانِ الْأَعْلَمُ، (٦) قَالَ: حَدَّثَنِي عُصَيْرُ بْنُ مَتَوَكَّلٍ التَّقِيُّ الْبَلْخِيُّ، عَنْ أَبِيهِ مَتَوَكَّلِ بْنِ هُرُونَ (٧) قَالَ: لَقِيتُ يَحْيَى بْنَ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ ٥ وَهُوَ مُتَوَجِّهُ إِلَى خُرَاسَانَ بَعْدَ قَتْلِ أَبِيهِ، فَسَلَّمْتُ عَلَيْهِ، (٨) فَقَالَ لِي: مِنْ أَيْنَ أَقْبَلْتَ؟ قُلْتُ: مِنَ الْحَجِّ، (٩) فَسَأَلَنِي عَنْ أَهْلِهِ وَبَنِي عَمِّهِ بِالْمَدِينَةِ، وَ أَحْفَى السُّؤَالِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ٥ فَأَخْبَرْتُهُ بِخَبَرِهِ وَخَبَرِهِمْ وَحُزْنِهِمْ عَلَى

مقدمه در بیان اسناد صحیفه

(۱) برای ما حدیث نمود، سید بزرگوار نجم الدین بهاء الشرف ابوالحسن محمد، فرزند حسن، فرزند احمد، فرزند علی، فرزند محمد، فرزند عمر، فرزند یحیی، علوی حسینی - رحمت خدا بر او باد - فرمود: به ما خبر داد شیخ سعید ابو عبدالله محمد فرزند احمد، فرزند شهریار خزانه دار مولایمان امام علی بن ابیطالب امیر مومنان علیه السلام در ماه ربیع الاول سال پانصد و شانزده، صحیفه را بر او می خواندند و من شنیدم (سید نجم الدین) (۲) گفت: شنیدم صحیفه را خواندند بر شیخ صدوق ابومنصور محمد، فرزند محمد، فرزند احمد، فرزند عبدالعزیز عکبری معتدل - رحمت خدا بر او باد - از ابوالفضل محمد، فرزند عبدالله، فرزند مطلب شیبانی که او (۳) گفت: برای ما حدیث کرد شریف ابوعبدالله، جعفر فرزند محمد، فرزند جعفر، فرزند حسن، فرزند جعفر، فرزند حسن، فرزند امیر مومنان علی بن ابیطالب علیه السلام که او (۴) گفت: برای ما حدیث نمود عبدالله فرزند عمر، فرزند خطاب زیات در سال دویست و شصت و پنج، (۵) او گفت: دایی ام برای من حدیث نمود: نعمان اعلم (۶) که گفت: برایم حدیث نمود عمیر فرزند متوکل ثقفی بلخی پدرش متوکل پسر هارون (۷) که او گفت: یحیی بن زید پسر امام زین العابدین علیه السلام را پس از کشته شدن پدرش، هنگامی که او به سوی خراسان رهسپار بود دیدم، بر او سلام نمودم. (۸) فرمود: از کجا می آیی؟ گفتم: از سفر حج. (۹) سپس از من درباره خانواده و عمو زادگانش که در مدینه بودند پرسید و حال جعفر بن محمد علیه السلام را بسیار پرسید. من او را از احوال امام صادق و اندوه آن حضرت در (مصیبت کشته شدن)

أَبِيهِ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ (١٠) فَقَالَ لِي: قَدْ كَانَ عَمِّي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ أَشَارَ عَلَى
أَبِي بَتْرَكِ الْخُرُوجِ وَ عَرَفَهُ إِنَّهُ خَرَجَ وَ فَارَقَ الْمَدِينَةَ مَا يَكُونُ إِلَيْهِ مَصِيرُ
أَمْرِهِ. فَهَلْ لَقِيتَ ابْنَ عَمِّي جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ (١١)؟ قُلْتُ: نَعَمْ. (١١) قَالَ: فَهَلْ سَمِعْتَهُ
يَذْكُرُ شَيْئاً مِنْ أَمْرِي؟ قُلْتُ: نَعَمْ. (١٢) قَالَ: بِمَ ذَكَرَنِي؟ حَبَرَنِي. قُلْتُ: جُعِلْتُ
فِي ذَلِكَ مَا أَحَبُّ أَنْ أَسْتَشِيرَكَ بِمَا سَمِعْتَهُ مِنْهُ. (١٣) فَقَالَ: أَبِالْمَوْتِ تُخَوِّفُنِي؟
هَاتِ مَا سَمِعْتَهُ. فَقُلْتُ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: إِنَّكَ تُتَّقِلُ وَ تُضْلِبُ كَمَا قَتَلَ أَبُوكَ وَ
صَلَبَ، فَتَغَيَّرَ وَجْهُهُ وَ قَالَ: «يَتَحَوَّلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَ يُبْتِغِ عِنْدَهُ أَمُّ الْكِتَابِ».
يَا مَتَوَكَّلْ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ آتَدَ هَذَا الْأَمْرَ بِنَا وَ جَعَلَ لَنَا الْعِلْمَ وَ السَّيْفَ فُجِيعَا
لَنَا. وَ خُصَّ بِنَا عَمَّنَا بِالْعِلْمِ وَ خَدَّه. (١٤) فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنِّي رَأَيْتُ النَّاسَ
إِلَى ابْنِ عَمِّكَ جَعْفَرٍ (١٥) آمَتِلَ مِنْهُمْ إِلَيْكَ وَ إِلَى أَبِيكَ. (١٥) فَقَالَ: إِنَّ عَمِّي مُحَمَّدَ
بْنَ عَلِيٍّ وَ ابْنَهُ جَعْفَرَ (١٦) دَعَا النَّاسَ إِلَى الْحَيَاةِ وَ نَحْنُ دَعَوْنَاهُمْ إِلَى
الْمَوْتِ. (١٦) قُلْتُ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ أَهْمُ أَعْلَمُ أَمْ أَنْتُمْ؟ فَاطْرُقَ إِلَيَّ الْأَرْضُ
مَلِيّاً ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ وَ قَالَ: كُلُّنَا لَهُ عِلْمٌ غَيْرَ أَنَّهُمْ يَتَعْلَمُونَ كُلُّ مَا نَعْلَمُ وَ لَا نَعْلَمُ
كُلُّ مَا يَتَعْلَمُونَ. (١٧) ثُمَّ قَالَ لِي: أَكُتِبَتْ مِنْ ابْنِ عَمِّي شَيْئاً؟ قُلْتُ: نَعَمْ. (١٨) قَالَ:
أَرَنِيبِ، فَأَخْرَجَتْ إِلَيْهِ وَجُوهاً مِنَ الْعِلْمِ وَ أَخْرَجَتْ لَهُ دُعَاءَ أَمْلَاهُ عَلَى أَبِي

پدرش زید بن علی علیه السلام آگاه نمودم، (۱۰) سپس فرمود: عمویم محمد بن علی علیه السلام (امام باقر) - پدرم را به جنگ ننمودن با بنی امیه امر فرمود و او را پند و اندرز داد و آگاه کرد که اگر قیام نماید و از مدینه خارج شود، عاقبت کارش به کجا می‌انجامد، (یحیی به متوکل هارون) فرمود: آیا با پسر عمویم جعفر محمد (امام صادق) ملاقات کرده‌ای؟ گفتم: آری. (۱۱) گفت: آیا از او چیزی درباره کار من شنیده‌ای؟ گفتم: آری. (۱۲) گفت: درباره من چه فرمود؟ به من خبر بده. گفتم: فدایت گردم، دوست ندارم آن چیزی را که از او شنیده‌ام، روبه رویت بیان کنم. او (۱۳) گفت: آیا مرا به مرگ می‌ترسانی؟! آنچه شنیده‌ای بیان کند. گفتم از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: تو کشته شده و به دار آویزان می‌گردی، همانگونه که پدرت کشته شد و به دار آویخته گردید، در این هنگام بود که رنگ رخسارش تغییر کرد و گفت: خداوند هر چه را بخواهد نابود می‌کند و هر چه را بخواهد پایدار می‌نماید و اصل کتاب (لوح محفوظ) نزد اوست. ای متوکل! همانا خداوند عزوجل این کار (ترویج دین یا خونخواهی امام حسین علیه السلام) را به وسیله ما تأیید نموده و علم و شمشیر را به ما داده و این هر دو برای ما جمع شده است و به عموزاده ما تنها علم داده شده، (۱۴) گفتم: فدایت شوم! من می‌بینم که رغبت مردم به پسر عمویت امام جعفر علیه السلام بیشتر از رغبتشان به تو و به پدرت می‌باشد، در این هنگام یحیی بن زید (۱۵) گفت: عموی من محمد بن علی و پسرش جعفر (علیهما السلام) مردم را به زندگی فرامی‌خوانند و ما آن‌ها را دعوت به مرگ می‌کنیم، (۱۶) گفتم: ای پسر پیامبر خدا! آیا آن‌ها داناترند یا شما؟ یحیی برای مدتی طولانی به زمین خیره شد، سپس سر را بلند کرده و گفت: ما همگی مان علم (به احکام الهی) داریم، غیر از اینکه آنان می‌دانند همه آنچه را که ما می‌دانیم، ولی ما همه آنچه را که آنان می‌دانند، نمی‌دانیم! (۱۷) سپس به من گفت: آیا چیزی از پسر عمویم نوشته‌ای؟ گفتم: آری! (۱۸) گفت: آن را به من نشان بده! پس چند نوع علم را (که از امام صادق علیه السلام یادداشت کرده بودم) را به

عَبْدُ اللَّهِ ﷺ وَ حَدَّثَنِي أَنَّ أَبَاهُ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ ﷺ أَمَلَاهُ عَلَيْهِ وَ أَخْبَرَهُ أَنَّهُ مِنْ
دُعَاءِ أَبِيهِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ ﷺ مِنْ دُعَاءِ الصَّحِيفَةِ الْكَامِلَةِ (١٩) فَنَظَرَ فِيهِ يَحْيَى
حَتَّى أَتَى عَلَى آخِرِهِ وَ قَالَ لِي: أَتَادُّنُ فِي نَسْخِهِ؟ فَقُلْتُ: يَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ
أَتَسْتَأْذِنُ فِيمَا هُوَ عَنْكُمْ؟ (٢٠) فَقَالَ: أَمَا لَأَخْرِجَنَّ إِلَيْكَ صَحِيفَةً مِنَ الدُّعَاءِ
الْكَامِلِ مِثْلَ حِفْظِهِ أَبِي عَنْ أَبِيهِ وَ إِنَّ أَبِي أَوْضَانِي بِصُورِهَا وَ مَنَعَهَا غَيْرَ أَهْلِهَا.
(٢١) قَالَ عُمَيْرٌ: قَالَ أَبِي: فَقُمْتُ إِلَيْهِ فَقَبَّلْتُ رَأْسَهُ وَ قُلْتُ لَهُ: وَاللَّهِ يَابْنَ رَسُولِ
اللَّهِ إِنِّي لَأَدِينُ اللَّهَ بِحُبِّكُمْ وَ طَاعَتِكُمْ وَ إِنِّي لَأَرْجُو أَنْ يُسْعِدَنِي فِي حَيَاتِي وَ
مَمَاتِي بِوِلَايَتِكُمْ (٢٢) فَرَمَى صَحِيفَتِي الَّتِي دَفَعْتُهَا إِلَيْهِ إِلَى غُلَامٍ كَانَ مَعَهُ وَ قَالَ:
أَكْتُبْ هَذَا الدُّعَاءَ بِحَظِّ بَيْنٍ حَسَنٍ وَ اعْرِضْهُ عَلَيَّ لَعَلِّي أَخْفِظُهُ فَإِنِّي كُنْتُ أَطْلُبُهُ
مِنْ جَعْفَرٍ - حِفْظُهُ اللَّهُ - فَيَمْنَعُنِيهِ. (٢٣) قَالَ مَتَوَكَّلٌ: فَتَدِمْتُ عَلَى مَا فَعَلْتُ وَ لَمْ
أَذِرْ مَا أَصْنَعُ. وَ لَمْ يَكُنْ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ تَقْدَّمُ إِلَيَّ إِلَّا أَدْفَعُهُ إِلَيَّ أَحَدٍ. ثُمَّ دَعَا
بِعَيْنِيَةٍ فَاسْتَخْرَجَ مِنْهَا صَحِيفَةً مُثْقَلَةً مَخْتومةً فَنَظَرَ إِلَى الْخَاتَمِ وَ قَبَّلَهُ وَ بَكَى. ثُمَّ
قَضَاهُ وَ فَتَحَ الثَّقْلَ. ثُمَّ نَشَرَ الصَّحِيفَةَ وَ وَضَعَهَا عَلَى عَيْنَيْهِ وَ أَمَرَهَا عَلَى وَجْهِهِ
(٢٤) وَ قَالَ: وَاللَّهِ يَا مَتَوَكَّلُ لَوْلَا مَا ذَكَرْتَ مِنْ قَوْلِ ابْنِ عَمِي أَنَّنِي أُقْتَلُ وَ أُضْلَبُ
لِمَا دَفَعْتُهَا إِلَيْكَ وَ لَكُنْتُ بِهَا ضَئِيبًا (٢٥) وَ لَكِنِّي أَعْلَمُ أَنَّ قَوْلَهُ حَقٌّ أَخَذَهُ عَنْ آبَائِهِ

او نشان دادم و دعایی را به او نشان دادم که آن را امام صادق علیه السلام بر من املاء فرموده بود و به من گفته بود که آن را پدرش محمد بن علی علیه السلام بر او املاء فرموده و به او فرموده بود که این دعا از دعاهای پدرش امام علی بن الحسین علیه السلام و از زمره دعاهای صحیفه کامله می باشد، (۱۹) یحیی به آن دعا تا آخرش نگاهی کرده و گفت: آیا اجازه می دهی که از روی آن نسخه ای بردارم؟ گفتم: ای پسر رسول خدا! آیا در آن چیزی که متعلق به خودتان هست، اجازه می خواهی؟! (۲۰) پس فرمود: بدان که اینک، من صحیفه ای از دعای کامل را از آنچه پدرم از پدرش (امام سجاد) نقل نموده، به تو نشان می دهم، او مرا به نگهداری آن و منعش از کسی که اهل آن نیست سفارش فرموده. (۲۱) عمیر (پسر متوکل) گفت: پدرم گفت: من بلند شدم و نزد یحیی رفتم، سرش را بوسیده و گفتم: به خدا سوگند، ای پسر رسول خدا! من خدا را به وسیله دوستی و پیروی از شما عبادت می کنم و امید آن دارم که مرا در زندگی و مرگ به وسیله ولایت و دوستی شما، نیکبخت فرماید، (۲۲) سپس صحیفه ای را که به او داده بودم به جوانی که همراهش بود داد و فرمود: این دعا را با خطی آشکار و زیبا برایم بنویس و برایم بیاور، شاید بتوانم آن را حفظ نمایم؛ چرا که من این دعا را از پسر عموم جعفر - که خدا او را حفظ فرماید - می خواستم، ولی او نمی داد، (۲۳) متوکل گفت: من از کار خودم پشیمان گشتم و نمی دانستم که چه باید بکنم و امام صادق علیه السلام هم نفرموده بود که آن را به کسی نده. سپس یحیی جامه دانی خواست و صحیفه قفل زده مهر کرده ای را از آن در آورد، به مهر نگاه کرده، آن را بوسید و گریه سرداد، سپس مهر را شکست و قفل را گشود، آن را بر چشم نهاد و بر صورت مالید، (۲۴) و گفت: به خدا سوگند، ای متوکل! اگر نبود آن چیزی که تو از پسر عموم بیان نمودی که من کشته و به دار آویخته می گردم، هرگز این صحیفه را به تو نمی دادم و از دادن آن بخل می ورزیدم، (۲۵) اما از آنجا که می دانم کلام امام صادق حق است قرآن را از پدرانش آموخته و فرا گرفته

وَأَنَّهُ سَيَصِحُّ، فَخِفْتُ أَنْ يَقَعَ مِثْلُ هَذَا الْعِلْمِ إِلَى بَنِي أُمَيَّةَ فَيَكْتُمُوهُ وَيَذْخُرُوهُ
 فِي خَزَائِنِهِمْ لِأَنْفُسِهِمْ، (٢٦) فَأَقْبَضَهَا وَاتَّخِذَهَا وَتَرَبَّصَ بِهَا فَإِذَا قَضَى اللَّهُ مِنْ
 أَمْرِي وَآمَرَ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ مَا هُوَ قَاضٍ فِيهِ أَمَانَةٌ لِي عِنْدَكَ حَتَّى تُوصِلَهَا إِلَى
 ابْنِ عَمِّي: مُحَمَّدٍ وَإِبْرَاهِيمَ ابْنَيْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام
 فَإِنَّهُمَا الثَّقَانِ فِي هَذَا الْأَمْرِ بَعْدِي (٢٧) قَالَ الْمُتَوَكِّلُ: فَقَبَضْتُ الصَّحِيفَةَ فَلَمَّا
 قِيلَ يَحْيَى بْنُ زَيْدٍ صِرْتُ إِلَى الْمَدِينَةِ فَلَقِيتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَخَدَّشْتُهُ انْحَدِثْ
 عَنْ يَحْيَى، فَبَكَى وَاشْتَدَّ وَجْدُهُ بِهِ، (٢٨) وَقَالَ: رَجِمَ اللَّهُ ابْنَ عَمِّي وَالْحَقَّةُ
 بِآبَائِهِ وَآجْدَادِهِ، وَاللَّهُ يَا مُتَوَكِّلُ مَا مَنَعَنِي مِنْ دَفْعِ الدُّعَاءِ إِلَيْهِ إِلَّا الَّذِي خَافَهُ
 عَلَى صَحِيفَةِ أَبِيهِ، وَآيِنَ الصَّحِيفَةُ؟ فَقُلْتُ: هَاهُنَا، فَفَتَحَهَا وَقَالَ: هَذَا وَاللَّهِ خَطُّ
 عَمِّي زَيْدٍ وَدُعَاءُ جَدِّي عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليه السلام (٢٩) ثُمَّ قَالَ لِابْنِهِ: قُمْ يَا إِسْمَاعِيلُ
 فَأَتِنِي بِالدُّعَاءِ الَّذِي أَمَرْتُكَ بِحِفْظِهِ وَصَوْنِهِ، فَقَامَ إِسْمَاعِيلُ فَأَخْرَجَ صَحِيفَةً
 كَانَتْهَا الصَّحِيفَةُ الَّتِي دَفَعَهَا إِلَيَّ يَحْيَى بْنُ زَيْدٍ، (٣٠) فَقَبَّلَهَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ وَوَضَعَهَا
 عَلَى عَيْنَيْهِ وَقَالَ: هَذَا خَطُّ أَبِي وَإِمْلَأْ جَدِّي عليه السلام بِمَشْهَدٍ مِنِّي، (٣١) فَقُلْتُ: يَا بَنَ
 رَسُولِ اللَّهِ! إِنْ رَأَيْتَ أَنْ أَعْرِضَهَا مَعَ صَحِيفَةِ زَيْدٍ وَيَحْيَى؟ فَأَذِنَ لِي فِي ذَلِكَ
 وَقَالَ: قَدْ رَأَيْتَكَ لِدِلِكَ أَهْلًا، (٣٢) فَتَطَرْتُ وَإِذَا هُمَا أَمْرٌ وَاحِدٌ وَلَمْ أَجِدْ خَرَفًا

و به زودی صحت آن آشکار می‌گردد، پس ترسیدم که این علم دست بنی امیه بیفتد و آن‌ها آن را پوشیده دارند و در خزانه‌هایشان بیاندوزند، (۲۶) پس آن بگیر و به جای من از آن مراقب کن و چشم به راه باش تا آنگاه که خداوند، کار من و این گروه (بنی امیه) را بگذرانند که او گذراننده است. این صحیفه امانتی است از من نزد تو تا آنگاه که آن را به دو پسر عمویم محمد و ابراهیم پسران عبدالله بن حسن بن حسن بن علی علیه السلام برسانی؛ چرا که آن دو جانشینان من در این کار (قیام علیه بنی امیه) هستند، (۲۷) متوکل گفت: صحیفه را گرفتم. هنگامی که یحیی بن زید کشته شد، به مدینه منوره برگشته و خدمت حضرت امام صادق علیه السلام رسیدم و داستان یحیی را برای آن بزرگوار نقل کردم، امام علیه السلام گریست و به شدت اندوهگین گردید (۲۸) و فرمود: خدا پسر عمویم را بیامرزد و او را به پدران و اجدادش ملحق کند! به خدا قسم، ای متوکل! چیزی مرا از دادن دعا به یحیی منع نمی‌کرد، جز آنکه او بر صحیفه پدرش از آن می‌ترسید، اینک آن صحیفه کجاست، گفتم: این آن صحیفه است! امام آن را باز کرد و فرمود: به خداوند قسم، که این خط عمویم زید و دعای جدم علی بن الحسین علیه السلام است، (۲۹) سپس به فرزندش اسماعیل فرمود: ای اسماعیل! برخیز و آن را که تو را به حفظ و نگهداری از آن دستور داده بودم بیاور، اسماعیل بلند شد و صحیفه‌ای بیرون آورد که گویی همان صحیفه‌ای بود که یحیی بن زید به من داده بود، (۳۰) سپس امام صادق علیه السلام آن را بوسیده و بر چشم خود گذاشت و فرمود: این خط پدرم و گفته جدم علیه السلام در حضور من بود. (۳۱) گفتم: ای پسر رسول خدا! آیا اجازه می‌دهی که آن را با صحیفه زید و یحیی مقابله نمایم؟ امام علیه السلام اجازه داده و فرمودند: من تو را برای این کار شایسته می‌بینم.

(۳۲) پس دیدم که هر دو صحیفه یکسان است، و در آن صحیفه یک حرف نیافتم

مِنْهَا يُخَالِفُ مَا فِي الصَّحِيفَةِ الْآخَرَى، ثُمَّ اسْتَأْذَنْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي دَفْعِ
 الصَّحِيفَةِ إِلَى ابْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ، فَقَالَ: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا
 الْأَمَانَاتِ إِلَى أَهْلِهَا»، نَعَمْ فَأَدْفَعُهَا إِلَيْهِمَا. (٢٢) فَلَمَّا نَهَضْتُ لِلْقَائِمَيْنِ قَالَ لِي:
 مَكَانَكَ، (٢٣) ثُمَّ وَجَّهَ إِلَى مُحَمَّدٍ وَابْنِ إِبْرَاهِيمَ فَبَاءَا فَقَالَ: هَذَا مِيرَاثُ ابْنِ عَمِّكَ
 يَخِي مِنْ أَبِيهِ قَدْ خَصَّكَ بِهِ دُونَ إِخْوَتِهِ، وَنَحْنُ مُشْتَرِطُونَ عَلَيْكَ فِيهِ
 شَرْطًا، فَقَالَا: رَحِمَكَ اللَّهُ قُلْ فَقَوْلُكَ الْمَقْبُولُ، (٢٤) فَقَالَ: لَا تَخْرُجَا بِهَذِهِ
 الصَّحِيفَةِ مِنَ الْمَدِينَةِ: (٢٥) قَالَا: وَلِمَ ذَلِكَ؟ (٢٦) قَالَ: إِنَّ ابْنَ عَمِّكَ خَافَ عَلَيْهَا
 أَمْرًا أَخَافُهُ أَنَا عَلَيْكُمَا، (٢٧) قَالَا: إِنَّمَا خَافَ عَلَيْهَا حِينَ عَلِمَ أَنَّهُ يُقْتَلُ، (٢٨) فَقَالَ
 أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَ أَنْتُمَا فَلَا تَأْمَنَّا قَوْلَ اللَّهِ لَا عِلْمَ أَنْكُمَا سَتَخْرُجَانِ كَمَا خَرَجَ وَ
 سَتَقْتُلَانِ كَمَا قُتِلَ، (٢٩) قَالُمَا وَ هُمَا يَقُولَانِ: لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ
 الْعَظِيمِ. (٣٠) فَلَمَّا خَرَجَا قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَا مَتَوَكَّلْ كَيْفَ قَالَ لَكَ يَخِي إِنَّ
 عَنِّي مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ وَابْنَهُ جَعْفَرًا دَعَا النَّاسَ إِلَى الْحَيَاةِ وَ دَعَا نَاهُمْ إِلَى
 الْمَوْتِ؟ (٣١) قُلْتُ: نَعَمْ - أَصْلَحَكَ اللَّهُ - قَدْ قَالَ لِي ابْنُ عَمِّكَ يَخِي ذَلِكَ، (٣٢)
 فَقَالَ: يَزُحِمُ اللَّهُ يَخِي، إِنَّ أَبِي حَدَّثَنِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيٍّ عليه السلام أَنَّ رَسُولَ
 اللَّهِ صلى الله عليه وآله أَخَذَتْهُ نَفْسُهُ وَ هُوَ عَلَى مِثْبَرِهِ، فَرَأَى فِي مَنَامِهِ رَجُلًا يَنْزُونَ عَلَى مِثْبَرِهِ

که خلاف آنچه در صحیفه دیگری است باشد، سپس از حضرت امام صادق علیه السلام اجازه خواستم که صحیفه یحیی را (طبق وصیت خودش) به فرزندان عبدالله بن حسن بدهم، امام فرمودند: خداوند امر نموده که امانات و سپرده‌ها را به صاحبانش پس دهید. آری آن صحیفه را به آن‌ها بده، (۲۳) هنگامی که برای دیدن آن دو برادر بلند شدم امام علیه السلام فرمود: بنشین! (۲۴) سپس کسی را دنبال محمد و ابراهیم فرستاد، وقتی آمدند، امام علیه السلام فرمودند: این میراث پسر عمومی شما یحیی از پدرش زید می‌باشد که آن را به شما اختصاص داده نه به برادرش و ما درباره آن با شما شرطی می‌نماییم! آنها گفتند: خدا تو را رحمت فرماید، بگو که گفتارت مقبول است، (۲۵) فرمود: این صحیفه را از مدینه بیرون ببرید! (۲۶) پرسیدند: چرا؟ (۲۷) فرمود: پسرعمویتان درباره این صحیفه از چیزی می‌ترسید که من هم درباره آن این ترس را دارم (۲۸) گفتند: او به خاطر این می‌ترسید که می‌دانست کشته خواهد شد، (۲۹) امام صادق علیه السلام فرمود: شما هم ایمن مباشید! به خداوند سوگند، من می‌دانم که به زودی قیام خواهید نمود، همانگونه که او قیام کرد و به زودی کشته خواهید شد، همچنانکه او کشته گشت، (۳۰) آنها برخاسته و گفتند: لا حول و لا قوة الا بالله، (۳۱) هنگامی که بیرون رفتند، امام صادق علیه السلام فرمودند ای: متوکل! چگونه یحیی به تو گفت که محمد بن علی (امام باقر) و پسرش جعفر مردم را به زندگی دعوت مس می‌کنند و ما آن‌ها را به مرگ فرا می‌خوانیم؟! (۳۲) گفتم: آری! خدا کار تو را درست گرداند، پسر عمومی یحیی به من همین را گفت، (۳۳) فرمود: خداوند یحیی را پیامرزد، پدرم از پدرش و او از جدش و او از امام علی علیه السلام به من خبر داد که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بالای منبر بود که خواب سبکی او را فرا گرفت. در خواب دید که مردانی مانند

تَزُو الْفِرْدَوْسَ يُرْدُونَ النَّاسَ عَلَى أَعْقَابِهِمُ الْقَهْقَرَى، فَاسْتَوَى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
 جَالِساً وَالْحَزَنُ يُغْرِفُ فِي وَجْهِهِ، فَأَتَاهُ جِبْرِيلُ ﷺ بِهَذِهِ الْآيَةِ: «وَمَا جَعَلْنَا
 الرُّؤْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ وَنُحَوِّثُهُمْ
 فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَانًا كَبِيرًا» يَغْنِي بَنِي أُمَيَّةَ، (٢٢) قَالَ: يَا جِبْرِيلُ أَعْلَى عَهْدِي
 يَكُونُونَ وَفِي زَمَنِي؟ (٢٥) قَالَ: لَا، وَلَكِنْ تَدُورُ رَحَى الْإِسْلَامِ مِنْ مُهَاجِرِكَ
 فَتَلْبَثُ بِذَلِكَ عَشْرًا، ثُمَّ تَدُورُ رَحَى الْإِسْلَامِ عَلَى رَأْسِ خَمْسَةٍ وَثَلَاثِينَ مِنْ
 مُهَاجِرِكَ فَتَلْبَثُ بِذَلِكَ خَمْسًا، ثُمَّ لَا بُدَّ مِنْ رَحَى ضَلَالَةٍ هِيَ قَائِمَةٌ عَلَى قُطْبِهَا،
 ثُمَّ مَلِكُ الْقَرَاعِنَةِ، (٢٦) قَالَ: وَانْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى فِي ذَلِكَ: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ
 الْقَدْرِ، وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ، لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ» تَمْلِكُهَا بَنُو
 أُمَيَّةَ لَيْسَ فِيهَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ، (٢٧) قَالَ: فَاطَّلَعَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ نَبِيَّهُ ﷺ أَنْ بَنِي أُمَيَّةَ
 تَمْلِكُ سُلْطَانَ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَمَلِكُهَا طُولَ هَذِهِ الْمُدَّةِ، (٢٨) فَلَوْ طَاوَلَتْهُمْ الْجِبَالُ
 لَطَالُوا عَلَيْهَا حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ تَعَالَى بِزَوَالِ مُلْكِهِمْ، وَهُمْ فِي ذَلِكَ يَسْتَشْعِرُونَ
 عَدَاؤَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَبُغْضَنَا، (٢٩) أَخْبَرَ اللَّهُ نَبِيَّهُ بِمَا يَلْقَى أَهْلُ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَأَهْلُ
 مُوَدَّتِهِمْ وَشِبَعَتِهِمْ مِنْهُمْ فِي أَيَّامِهِمْ وَمُلْكِهِمْ، (٥٠) قَالَ: وَانْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى فِيهِمْ:
 «أَنْتُمْ تَرَى إِلَى الَّذِينَ بَدَلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ، جَهَنَّمَ

میمون بر روی منبر او بالا و پایین می‌پرند و مردم را به عقب و قهقهه‌ری باز می‌گردانند. رسول خدا ﷺ از خواب برخاست، نشست، در حالی که اندوه از چهره شریفش نمایان بود، در این حال جبرائیل علیه السلام این آیه را برای پیامبر آورد: و رؤیایی را که به تو نشان دادیم و درختی را که به لعنت در قرآن یاد شده، نبود مگر برای امتحان و آزمایش مردم و آن‌ها را (از عذاب خدا) می‌ترسانیم، ولی آن‌ها را جز طغیان و سرکشی زیاد نیفزاید و منظور از شجره‌ی ملعونه، بنی‌امیه هستند، (۴۴) پیامبر فرمود: ای جبرئیل! آیا در روز و روزگار من این‌ها خواهند بود؟ (۴۵) گفت: نه، اما آسیای اسلام از آغاز هجرت و بیرون تو (از مکه به مدینه) می‌گردد و گردش آن ده سال است، سپس در پایان سال سی و پنج هجری به گردش می‌افتد و پنج سال در همان حال می‌ماند، سپس ناچاراً آسیای گمراهی به گردش خواهد آمد که بر قطب خود پا برجاست و بعد از آن پادشاهی فرعون‌ها خواهد بود. (۴۶) امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند در این مورد فرمود: ما قرآن را در شب قدر فرو فرستادیم. و چه می‌دانی که شب قدر چیست؟ شب قدر از هزار ماه بهتر است، هزار ماهی که بنی‌امیه در آن فرمانروایی می‌کنند و در آن شب قدری وجود ندارد. (۴۷) امام صادق علیه السلام فرمود: سپس خداوند عزوجل پیامبرش را آگاه نمود که بنی‌امیه به مدت هزار ماه بر این امت پادشاهی و سروری خواهند کرد، پس اگر کوه‌ها بر آن طغیان کنند، بر آن کوه‌ها بلندی گیرند تا اینکه خداوند متعال زوال پادشاهی آن‌ها را بخواهد و بنی‌امیه در این مدت، بغض و کینه ما اهل بیت را شعار و روش خود قرار می‌دهند (۴۹) و خدا به پیامبرش در آنچه در روزگار پادشاهی بنی‌امیه از جانب ایشان به خاندان محمد و دوستان و شیعیان آن‌ها می‌رسد، خبر داده. (۵۰) حضرت فرمود: خداوند متعال در مورد بنی‌امیه فرمود: آیا ندیدی کسانی را که نعمت خدا را به کفر و ناسپاسی تبدیل نموده و قومشان را به دیار هاکت و نیستی فرستادند

يُضَلُّونَهَا وَيَسْأَلُونَ الْقَرَارَ» (٥١) وَنِعْمَةُ اللَّهِ مُحَمَّدٌ وَآهْلُ بَيْتِهِ، حُبُّهُمْ إِيْمَانٌ يُدْخِلُ
الْجَنَّةَ، وَبُغْضُهُمْ كُفْرٌ وَيَفَاقُ يُدْخِلُ النَّارَ، (٥٢) فَاسْرَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ ذَلِكَ إِلَى
عَلِيٍّ وَآهْلِ بَيْتِهِ، (٥٣) قَالَ: ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ: مَا حَرَجٌ وَلَا يَخْرُجُ مِنَّا
أَهْلُ الْبَيْتِ إِلَى قِيَامٍ قَانِمِنَا أَحَدٌ لِيُدْفَعَ ظُلْمًا أَوْ يَنْعَشَ حَقًّا إِلَّا اضْطَلَعَتْهُ الْبَلَاءُ وَ
كَانَ قِيَامُهُ زِيَادَةً فِي مَكْرُوهِنَا وَشَيْعَتِنَا، (٥٤) قَالَ الْمُتَوَكِّلُ بْنُ هُرُونَ: ثُمَّ أَتَانِي
عَلِيٌّ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ الْأَذْيَعِيَّةَ وَهِيَ خَمْسَةٌ وَسَبْعُونَ بَابًا، سَقَطَ عَنِّي مِنْهَا أَحَدُ
عَشَرَ بَابًا، وَحَفِظْتُ مِنْهَا ثِيْفًا وَبَسِيْنًا بَابًا، (٥٥) وَحَدَّثَنَا أَبُو الْمُفَضَّلِ قَالَ: وَ
حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ ابْنِ رُوَيْبَةَ أَبُو بَكْرٍ الْقَدَانِيُّ الْكَاتِبُ نَزِيلُ الرَّحْبَةِ
فِي دَارِهِ، (٥٦) قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُسْلِمٍ الْمُطَهَّرِيُّ، (٥٧) قَالَ: حَدَّثَنِي
أَبِي، عَنْ عُمَيْرِ بْنِ مُتَوَكِّلٍ الْبَلْخِيُّ، عَنْ أَبِيهِ الْمُتَوَكِّلِ بْنِ هُرُونَ، (٥٨) قَالَ: لَقِيتُ
يَحْيَى بْنَ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ ﷺ فَذَكَرَ الْحَدِيثَ بِتَمَامِهِ إِلَى رُؤْيَا النَّبِيِّ ﷺ الَّتِي
ذَكَرَهَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ آبَائِهِ - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ - (٥٩) وَفِي رِوَايَةٍ
الْمُطَهَّرِيِّ ذِكْرُ الْأَبْوَابِ، وَهِيَ:

(١) التَّحْمِيدُ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ

(٢) الصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

(٣) الصَّلَاةُ عَلَى حَتَلَةَ الْغَرْبِ

و به دوزخ که بد جایگاهی است وارد شوند. (۵۱) (در این آیه) نعمت خدا محمد و خاندان اوست. دوست داشتن آن‌ها همان ایمانی است که موجب دخول به بهشت می‌شود و دشمنی با آن‌ها کفر و نفاق است که موجب ورود به دوزخ است. (۵۲) رسول خدا ﷺ این راز را به صورت نهان با علی علیه السلام و خانواده‌اش در میان گذاشت. (۵۳) متوکل گفت: سپس امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ کس از ما اهل بیت تا روز قیام قائم مان (حجة بن الحسن عسگری) برای جلوگیری از ظلمی یا به یادداشتن حق قیام نمی‌کند، مگر آنکه به وسیله بلایی از بین می‌رود و قیام او، بر غم ما و شیعیان ما می‌افزاید. (۵۴) متوکل بن هارون گفت: سپس امام صادق علیه السلام دعا‌های صحیفه را برای من خواند و آن‌ها، هفتاد و پنج باب بود که یازده باب آن از دست من رفت و شصت و چهار باب آن را حفظ کردم و نگاه داشتم. (۵۵) و برای ما حدیث کرد ابوالمفضل و گفت و حدیث کرد مرا محمد فرزند حسن فرزند روزه ابوبکر مدائنی کاتب ساکن رجب در خانه‌اش (۵۶) که گفت: حدیث کرد برای من محمد فرزند احمد فرزند مسلم مطهری. (۵۷) گفت: حدیث کرد برای من پدرم از عمیر فرزند متوکل بلخی از پدرش متوکل فرزند هارون (۵۷) گفت: با یحیی بن زید بن علی علیه السلام ملاقات کردند. سپس تمام حدیث را تا خواب دیدن پیامبر امام جعفر بن محمد علیه السلام از پدرانش - صلوات الله علیهم - نقل فرمود. بیان کرد. (۵۹) در روایت مطهری ابواب ذکر شده به این شرح است:

(۱) دعای امام علی علیه السلام در ستایش خدای عزوجل

(۲) دعای آن حضرت در درود بر رسول خدا ﷺ

(۳) دعای آن حضرت بر نگهدارندگان عرش الهی

- (٤) الصَّلَاةُ عَلَى مُصَدِّقِي الرُّسُلِ
- (٥) دُعَاؤُهُ لِنَفْسِهِ وَخَاصَّتِهِ
- (٦) دُعَاؤُهُ عِنْدَ الصَّبَاحِ وَالْمَسَاءِ
- (٧) دُعَاؤُهُ فِي الْمُهَيَّاتِ
- (٨) دُعَاؤُهُ فِي الْإِسْتِغَاذَةِ
- (٩) دُعَاؤُهُ فِي الْإِسْتِثْنَاءِ
- (١٠) دُعَاؤُهُ فِي اللَّجَاءِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى
- (١١) دُعَاؤُهُ بِخَوَاتِمِ الْخَيْرِ
- (١٢) دُعَاؤُهُ فِي الْإِعْتِرَافِ
- (١٣) دُعَاؤُهُ فِي طَلَبِ الْخَوَاتِمِ
- (١٤) دُعَاؤُهُ فِي الظُّلُمَاتِ
- (١٥) دُعَاؤُهُ عِنْدَ الْمَرَضِ
- (١٦) دُعَاؤُهُ فِي الْإِسْتِغَاثَةِ
- (١٧) دُعَاؤُهُ عَلَى الشَّيْطَانِ
- (١٨) دُعَاؤُهُ فِي الْمَحْذُورَاتِ
- (١٩) دُعَاؤُهُ فِي الْإِسْتِشْفَاءِ
- (٢٠) دُعَاؤُهُ فِي مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ
- (٢١) دُعَاؤُهُ إِذَا حَزَنَهُ أَمْرٌ
- (٢٢) دُعَاؤُهُ عِنْدَ الشِّدَّةِ

- (۴) دعای آنحضرت در درود بر پیروان پیامبران
- (۵) دعای آنحضرت درباره خود و دوستانش
- (۶) دعای آنحضرت بهنگام بامداد و شب
- (۷) دعای آنحضرت در مهمات و سختیها
- (۸) دعای آنحضرت در پناه بردن به خدا
- (۹) دعای آنحضرت در آرزو داشتن به آموزش
- (۱۰) دعای آنحضرت در التجاء به خدای تعالی
- (۱۱) دعای آنحضرت در عاقبت بخیریها
- (۱۲) دعای آنحضرت در اقرار به گناه
- (۱۳) دعای آنحضرت در درخواست حاجتها
- (۱۴) دعای آنحضرت در دادخواهی از ستمگران
- (۱۵) دعای آنحضرت هنگام بیماری
- (۱۶) دعای آنحضرت در خواستن بخشش گناه
- (۱۷) دعای آنحضرت در دور کردن شیطان
- (۱۸) دعای آنحضرت در دفع بلاها و سختیها
- (۱۹) دعای آنحضرت در درخواست باران
- (۲۰) دعای آنحضرت در مکارم الاخلاق
- (۲۱) دعای آنحضرت هنگام غم و اندوه
- (۲۲) دعای آنحضرت هنگام سختی

(٢٣) دُعَاؤُهُ بِالْعَافِيَةِ

(٢٤) دُعَاؤُهُ لِأَبَوَيْهِ

(٢٥) دُعَاؤُهُ لَوَلَدِهِ

(٢٦) دُعَاؤُهُ لِحَبْرَانِهِ وَأَوْلِيَانِهِ

(٢٧) دُعَاؤُهُ لِأَهْلِ النَّعْوِ

(٢٨) دُعَاؤُهُ فِي التَّقَرُّعِ

(٢٩) دُعَاؤُهُ إِذَا قَتَرَ عَلَيْهِ الرِّزْقُ

(٣٠) دُعَاؤُهُ فِي الْمَعُونَةِ عَلَى قَضَاءِ الدِّينِ

(٣١) دُعَاؤُهُ بِالتَّوْبَةِ

(٣٢) دُعَاؤُهُ فِي صَلَاةِ اللَّيْلِ

(٣٣) دُعَاؤُهُ فِي الْإِسْتِخَارَةِ

(٣٤) دُعَاؤُهُ إِذَا ابْتَلَى أَوْ رَأَى مُبْتَلًى بِفَضِيحَةٍ يَذَنْبُ

(٣٥) دُعَاؤُهُ فِي الرِّضَا بِالقَضَاءِ

(٣٦) دُعَاؤُهُ عِنْدَ سَمَاعِ الرُّعْدِ

(٣٧) دُعَاؤُهُ فِي الشُّكْرِ

(٣٨) دُعَاؤُهُ فِي الْإِعْتِذَارِ

(٣٩) دُعَاؤُهُ فِي طَلَبِ النُّعْوِ

(٤٠) دُعَاؤُهُ عِنْدَ ذِكْرِ الْمَوْتِ

(٤١) دُعَاؤُهُ فِي طَلَبِ السَّيْرِ وَالْوَقَايَةِ

- (۲۳) دعای آنحضرت برای تندرستی
- (۲۴) دعای آنحضرت برای پدر و مادر
- (۲۵) دعای آنحضرت برای فرزندان
- (۲۶) دعای آنحضرت برای همسایگانش
- (۲۷) دعای آنحضرت برای مرزداران
- (۲۸) دعای آنحضرت در ترس از خدا
- (۲۹) دعای آنحضرت هنگام تنگ آمدن روزی
- (۳۰) دعای آنحضرت در آدای قرض
- (۳۱) دعای آنحضرت در بیان توبه
- (۳۲) دعای آنحضرت بعد از نماز شب
- (۳۳) دعای آنحضرت در طلب خیر
- (۳۴) دعای آنحضرت هنگام گرفتاری
- (۳۵) دعای آنحضرت در خشنودی از قضا و قدر
- (۳۶) دعای آنحضرت هنگام شنیدن صدای رعد
- (۳۷) دعای آنحضرت در سپاسگذاری
- (۳۸) دعای آنحضرت در عذر خواستن
- (۳۹) دعای آنحضرت در درخواست عفو
- (۴۰) دعای آنحضرت هنگام یاد مرگ
- (۴۱) دعای آنحضرت در طلب پوشانیدن عیبه

(٤٢) دُعَاؤُهُ عِنْدَ خَتْمَةِ الْقُرْآنِ

(٤٣) دُعَاؤُهُ إِذَا نَظَرَ إِلَى الْهَلَالِ

(٤٤) دُعَاؤُهُ لِدُخُولِ شَهْرِ رَمَضَانَ

(٤٥) دُعَاؤُهُ لِدُخُولِ شَهْرِ رَمَضَانَ

(٤٦) دُعَاؤُهُ فِي عِيدِ الْفِطْرِ وَالْجُمُعَةِ

(٤٧) دُعَاؤُهُ فِي يَوْمِ عَرَفَةَ

(٤٨) دُعَاؤُهُ فِي يَوْمِ الْأَضْحَى وَالْجُمُعَةِ

(٤٩) دُعَاؤُهُ فِي دَفْعِ كَيْدِ الْأَعْدَاءِ

(٥٠) دُعَاؤُهُ فِي الرَّهْبَةِ

(٥١) دُعَاؤُهُ فِي النَّصْرِ وَالْإِسْتِكَانَةِ

(٥٢) دُعَاؤُهُ فِي الْإِلْحَاحِ

(٥٣) دُعَاؤُهُ فِي التَّدَلِّي

(٥٤) دُعَاؤُهُ فِي إِسْتِكْشَابِ الْهُسَامِ

(٦٠) وَبَاقِي الْأَبْوَابِ يَلْتَنِظُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِي - رَحِمَهُ اللَّهُ.

(٦١) حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْحُسَيْنِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عُمَرَ

بْنِ حَطَّابِ الرِّيَّاتِ، قَالَ: حَدَّثَنِي خَالِي، عَلِيُّ بْنُ التُّغْطَانِ الْأَعْلَمُ، قَالَ: حَدَّثَنِي

عُمَيْرُ بْنُ مَتَوَكِّلٍ النَّقَاشِيُّ الْبَلْخِيُّ عَنْ أَبِيهِ مَتَوَكِّلِ بْنِ هَارُونَ، قَالَ: أَمَلَنِي عَلِيُّ

سَيِّدِي الصَّادِقِ، أَبُو عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ أَمَلَنِي جَدِّي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ

عَلَى أَبِي مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ - عَلَيْهِمُ أَجْمَعِينَ السَّلَامُ - بِمَشْهَدِي مَنِي:

(۴۲) دعای آنحضرت هنگام ختم قرآن

(۴۳) دعای آنحضرت هنگام دیدن ماه نو

(۴۴) دعای آنحضرت در اوّل ماه رمضان

(۴۵) دعای آنحضرت در وداع ماه رمضان

(۴۶) دعای آنحضرت در روز فطر و جمعه

(۴۷) دعای آنحضرت در روز عرفة

(۴۸) دعای آنحضرت در روز اضحی و جمعه

(۴۹) دعای آنحضرت در رفع مکر دشمنان

(۵۰) دعای آنحضرت در ترس از خدا

(۵۱) دعای آنحضرت در تضرّع و زاری

(۵۲) دعای آنحضرت در اصرار ورزیدن در دعا

(۵۳) دعای آنحضرت در فروتنی

(۵۴) دعای آنحضرت در رفع اندوهها

(۶۰) و باقی ابواب به لفظ ابو عبدالله حسنی - رحمه الله - است:

(۶۱) حدیث کرد ما را ابو عبدالله جعفر بن محمد حسنی، گفت: حدیث کرد ما را

عبدالله بن عمر بن خطاب زیات، گفت: حدیث کرد مرا دائیم علی بن نعمان

اعلم، گفت: حدیث کرد مرا عمیر بن متوکل ثقفی بلخی، از پدرش متوکل بن

هارون گفت: املاء فرمود بر من آقا امیر امام صادق (ع) ابو عبدالله جعفر بن محمد،

فرمودند: جذم علی بن الحسین بر پدرم محمد بن علی - بر تمامشان درود - در

حضور من املاء فرمودند: